

دوست عزیز محترماً نامه شما به آقا میرزا احمد رسید من نیز مطالعه کردم ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "نگارخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۰۳۳

هو الله

دوست عزیز محترماً نامه شما به آقا میرزا احمد رسید من نیز مطالعه کردم از مضمون خوشنودی حاصل شد زیرا دلیل بر بلندی همت و نیت خیر بود مقالاتی که در مجله تیسفها درج کرده بودی دلیل بر آن نیت خیر است انسان عاقل و کاتب ماهر مقالاتی مینگارد که نتایجش ابدیست و فوایدش کلی تا اینکه جمیع عالم انسانی توجه بملکوت رحمانی نمایند و سنوحات رحمانیه از حقیقت انسانیه مانند سراجهای نورانی ساطع و لامع گردد امروز عالم انسانی محتاج تعالیم آسمانیست که روح این عصر و نور این قرن است زیرا مدنیت مادی طبیعی ترقی فوق العاده نموده ولی مدنیت الهیه بکلی فراموش شده و حال آنکه مدنیت الهیه مانند سراجست و مدنیت مادی مانند زجاج این زجاج بدون آن سراج تاریک است پس باید کوشید تا سراج آسمانی در زجاج انسانی برافروزد و عالم اخلاق روشن گردد و فضائل نامتناهی که زینت حقیقت انسانیت چون کوب درخشنده جلوه نماید عالم طبیعت جولانگه حیوان است چون نظر بهر حیوانی نمائی ملاحظه میکنی که مواهب عالم طبیعت در آن حیوان در نهایت کمال جلوه نموده که از برای انسان شاید میسر نیست مثلاً ملاحظه نما که مرغی خوش الحان در نهایت حسن و جمال در فراز کوهی بر اعلی شاخه درختی آشیانه نموده این لانه فی الحقیقه بر قصور ملوک شرف دارد هوا در نهایت لطافت منظر در غایت حلاوت آب در نهایت عدویت کوهسار سبز و خرم و جمیع خرمنها در دشت و صحرا دولت و ثروت این مرغ از هر خرمنی بخواهد دانه چینه نه زحمتی نه مشقتی نه فکری نه تدبیری نه حزنی نه المی نه حسرت و اسفی شب و روز در این لانه و آشیانه نهایت سرور کامرانی مینماید پس ثابت شد که مواهب عالم طبیعت در عالم حیوانی جلوه اعظم دارد اما این انسان بیچاره گهی آواره گهی بیمار گهی ناتوان گهی گرفتار گهی در فقر و فاقه گهی در حال خطرناک شب و روز میکوشد و میجوشد تا یک پاره نان بدست آرد پس قیاس نمائید چه قدر فرق در میان حیات انسان و حیات حیوانست لهذا واضح شد که مواهب عالم طبیعت در عالم حیوان بیشتر جلوه دارد اما انسان هرچند از این مواهب طبیعی بهره تام و نصیب موفور ندارد لکن در عالم الهی مظهر الطاف بی پایانست و مشکاة نور حقیقت است و آئینه روشن جمال الهی و مظهر مواهب آسمانی و مطلع انوار الهی و دارنده قوه قدسیه است که محیط بر جمیع کائناتست اینست که حقائق اشیاء را کشف مینماید و حکم بر طبیعت میکند و اسرار طبیعت را از حیز کون بجز ظهور میآورد شوکت طبیعت را میشکند قانون طبیعت را منهدم مینماید نظام طبیعت



ORIGINAL

را بهم میزند گهی در هوا پرواز مینماید گهی بر سطح دریا تاخت و تاز میکند گهی در زیر دریا سمند براند جمیع اسرار مکنونه مستوره طبیعت را از حیز غیب بحیز شهود میآورد اینست که ناسخ قانون طبیعت و فاسخ نوامیس آنست و این قوه قدسیه مخصوص انسان است و باین قوه معنویه از سائر حیوانات ممتاز مادام چنین قوتی دارد باید مظهر مدنیت الهیه شود و مطلع انوار ابدیه گردد و مؤسس کجالات آسمانی شود و مروج تعالیم الهی گردد خدمت بعالم اخلاق کند جانها را مستبشر ببشارات الله نماید از نومیدی رهائی یابد و امید حیات ابدی جوید اینست شرف و منقبت عالم انسانی اینست سعادت ابدی

عبدالبهاء عباس